

آموزش کارآفرینی در زمینه اشتغال کودکان استثنایی

وحیده فدایی نژاد^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی، تحقیقات آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

کارآفرینی، خلق کسب و کار، هدایت منابع، تبدیل فرصت‌ها به دستاوردها و ارائه محصولات جدید است که سبب خوداشتغالی، دیگر اشتغالی و یا ایجاد ارزش افزوده می‌شود. کارآفرین کسی است که با بهره‌گیری از منابع موجود، به‌کارگیری خلاقیت، شناخت فرصت‌ها و پذیرش ریسک‌ها به ایجاد یک کسب و کار می‌پردازد. کودکان استثنایی به دلیل فرهنگ و کلیشه‌های موجود در جامعه، با نگاه‌های محقر و همراه با دلسوزی و ترحمی مواجهه هستند که نیازمند کمک هستند و بایستی کارهای آنها را انجام داد. این نوع نگاه، در زمینه اشتغال و کار نیز وجود دارد. وضعیت اشتغال در سال‌های اخیر و به دلیل تحریم‌های همه‌جانبه، با انواع مصایب و مشکلات روبرو است که در این بین وضعیت افراد دارای آسیب‌های جسمی و روانی، به مراتب وخیم‌تر است. این افراد در سیستم آموزشی‌ای که کمتر به نیازها و مسایل این افراد توجه می‌کند با مسایل و مشکلات بیشتری در ورود به جامعه روبرو هستند. لذا سیستم آموزشی، برای جبران این خلاها بایستی خود را با امکان کارآفرینی برای کودکان استثنایی همگام کند و بتواند از شغل‌های کلیشه‌ای و صرفاً فنی حرفه‌ای دوری کند تا با دنیای دیجیتال و مجازی ارتباط برقرار کند و کودکان استثنایی را برای این شرایط آماده کند.

واژه‌های کلیدی: کودکان استثنایی - کارآفرینی - اشتغال - آموزش و پرورش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

اصولاً تولد فرزند سازگاری های جدیدی را در خانواده طلب می کند. پیدایش غریبه سوم به نام نوزاد، علاوه بر مشکلات ویژه ای چون تغذیه، نگهداری، پرستاری و مانند آن، فشارهای روانی بسیاری را بر والدین تحمیل می کند. حال اگر نوزادی با معلولیت های ذهنی یا جسمی و یا رفتاری و یا ترکیبی از آنها متولد شود، فشارهای روانی حاصل از وجود چنین فرزندی بر اعضای خانواده به ویژه مادر چندین برابر می گردد. به خوبی می دانیم که والدین درباره کودکان خود که هنوز به دنیا نیامده اند، رویاها و تخیلاتی دارند. آنان به ویژگی های ظاهری مانند رنگ مو، رنگ چشم، رنگ پوست و تا صفات باطنی چون توان ذهنی، کیفیت رفتاری و موفقیت های اجتماعی ... در حد بسیار مطلوب و مطابق میل خویش می اندیشند. اما تمام این رویاها با به دنیا آمدن یک کودک معلول فرو می ریزد و یکی پس از دیگری محو می شود. معمولاً مادر بیشترین ضربه روحی را متحمل می شود. آگاهی از معلولیت کودک فشارهای روانی مضاعفی را وارد می کند که این امر سبب بر هم خوردن نظم، آرامش و سازش یافتگی زندگی می شود (کميجانی، ۱۳۹۱: ۳۸).

همواره بخشی از جمعیت هر کشوری، به دلایل مختلف دچار آسیب های جسمی و روان شناختی می شوند. بر اساس برآورد سازمان بهداشت جهانی، فراوانی جمعیت کودکان و نوجوانان استثنایی جهان در حال حاضر ۵۰۰ میلیون نفر است و با افزایش جمعیت در جهان، این تعداد در آینده رو به افزایش است (کاکابرایی و همکاران، ۱۳۹۲).

یکی از مسایل و مشکلات کودکان استثنایی، بحث اشتغال و آموزش مسایل مرتبط با آن است. اشتغال در وضعیت فعلی جامعه ایران با انواع و اقسام مانع ها و ناکامی ها روبرو است و در این مسیر به دلیل تحرم های مختلفی که در قبال کشور ایران انجام می شود، وضعیت افراد و مشاغل وخیم تر می شود. به طبع، وضعیت افراد معلول و ناتوان در این شرایط بدتر است و به دلیل الگوهای فکری و ذهنی، این افراد برای کسب اشتغال در جامعه ایران با انواع مسایل و مشکلات جدی تری روبرو هستند. بخصوص اینکه در فضای کسب و کاری که همگی به دنبال بالا بردن سود و نیز بهره وری کامل از افراد هستند، افراد استثنایی به عنوان نیروهای کاذب در نظر گرفته می شوند که از پس وظایف شغلی بر نمی آیند. در این میان، تلاش برای آموزش مهارت های شغلی کارآمد و متناسب با توانایی های افراد استثنایی و نیز اوضاع و احوال اجتماعی جامعه، لازم و ضروری است. این تلاش با کارآفرینی و خلاقیت بایستی همراه باشد.

کلمه ی استثنایی واژه ای جامع و کلی است که به معنای دقیق کلمه شامل همه ی انسان ها می شود، زیرا خلقت انسان از دیدگاه الهی، خلقتی ویژه و استثنایی است، اما از نظر آموزشی، امروزه واژه استثنایی به کودکانی اطلاق می شود که از جهات مختلف ذهنی، جسمی، عاطفی و اجتماعی تفاوت قابل ملاحظه ای با دیگر کودکان همسال خود دارند به نحوی که به لحاظ همین تفاوت های محسوس قادر نیستند از برنامه های درسی عادی که اصولاً بر پایه ویژگی ها و توانایی های مشترک اکثر کودکان در سنین مختلف تنظیم شده است، به طور شایسته و بایسته بهره مند شوند)

مقدار و نوع آموزش و پرورش ویژه ای که کودک استثنایی بدان نیازمند هستند بستگی به عوامل متعددی از جمله درجه، میزان و چگونگی تفاوتی است که کودک با دیگر کودکان همسال خود در توانایی ها و استعدادها و رشد طبیعی دارد. هر چه میزان تفاوت و اختلاف در رشد و توانایی ها بیشتر باشد نیاز به آموزش و پرورش استثنایی بیشتر خواهد بود. عدم تعادل و هماهنگی بین جنبه های مختلف رشد کودک و همچنین ویژگی های ذهنی یا جسمی کودک که جنبه های مختلف کارایی و بروز استعداد های وی را تحت تاثیر قرار می دهد، از عوامل بسیار مهم در تعیین چگونگی برنامه های آموزش و پرورش استثنایی است (سامویل ای کرک، ۱۳۸۲).

در چند دهه ی گذشته آموزش ویژه دستخوش تغییرات چشمگیری شده است، گسترش برنامه های آموزشی آنقدر سریع بوده است که متخصصان اندکی توانسته اند خود را با آن همگام کنند. ناهمگنی در حوزه ی آموزش ویژه که به علت وجود گروه های مختلف استثنایی است و وجود رشته های تخصصی مختلف که به کودکان استثنایی خدمات ارائه می دهند باعث پیچیده تر شدن این حوزه مهم شده اند (یزدانپور، ۱۳۸۹). بر اساس آمار یونسکو (۲۰۰۹) مشخص شد که ۶۵۰ میلیون نفر در جهان با ناتوانایی ها در جامعه زندگی می کردند و مشارکت داشتند. از ۵۷ میلیون، کودک دوره ابتدایی که نمی توانند به مدرسه بروند،

یک سوم آنها بچه های ناتوان هستند. تخمین زدند که ۲۰٪ از مردم فقیر جهان کسانی هستند با ناتوانایی ها، و بیشتر از ۹۰٪ از بچه های با ناتوانایی در کشورهای در حال توسعه در مدارس حضور ندارند، حدود ۳۰٪ کودکان خیابانی دارای ناتوانی در جهان زندگی می کنند (طاهری، ۱۳۹۱).

با توجه به مسایل و مشکلاتی که در زمینه آموزش کودکان استثنایی وجود دارد و نیز رویارویی آنها با بازار کار و اشتغال در جامعه امروز ایران، در این مقاله به دنبال بررسی راهکارهایی برای بهبود و ارتقای جایگاه شغلی و اشتغال کودکان استثنایی با استفاده از آموزش می باشیم.

کارآفرینی

کارآفرینی، خلق کسب و کار، هدایت منابع، تبدیل فرصت‌ها به دستاوردها و ارائه محصولات جدید است که سبب خوداشتغالی، دیگر اشتغالی و یا ایجاد ارزش افزوده می‌شود. کارآفرین کسی است که با بهره‌گیری از منابع موجود، به‌کارگیری خلاقیت، شناخت فرصت‌ها و پذیرش ریسک‌ها به ایجاد یک کسب و کار می‌پردازد (سالازار، ۱۳۸۰). کارآفرینی ریشه‌ای به درازای تاریخ دارد. کارآفرینی مفهومی عینی و عملی است که همزمان با آغاز زندگی انسان بر روی زمین و تلاش برای کسب درآمد و تامین مایحتاج زندگی پا به عرصه وجود گذاشته است. با این وجود، توجه آکادمیک به مفاهیم این دانش سابقه چندانی ندارد. کانتیلون به عنوان بنیانگذار واژه کارآفرینی، خود اشتغالی را کارآفرینی می‌داند. از دیدگاه وی، کارآفرین سازمان‌دهنده بنگاه اقتصادی است و در عملکرد تولید و توزیع آن نقش محوری دارد (احمد پور، ۱۳۸۴). در سال ۱۸۴۸ واژه کارآفرینی توسط جان استوارت میل در زبان انگلیسی ترجمه شد. وی عمل کارآفرین را شامل هدایت، نظارت، کنترل و مخاطره‌پذیری می‌داند و عامل متمایزکننده مدیر و کارآفرین را مخاطره‌پذیری معرفی کرد. بنابر تعریف واژه‌نامه دانشگاهی وبستر، کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند. ژوزف شومپیتر، استاد دانشگاه هاروارد معتقد بود که کارآفرین نیروی محرکه اصلی در توسعه اقتصادی است و نقش وی عبارت است از نوآوری یا ایجاد ترکیب‌های تازه از مواد. از دیدگاه شومپیتر نوآوری ملاک کارآفرینی است. برخی نیز از ریسک‌پذیری یا مخاطره‌پذیری همچون عامل کلیدی برای تعریف کارآفرینان استفاده می‌کنند. اقتصاددانان نیز بر این عقیده‌اند که کارآفرینی فقط یک فعالیت اقتصادی نیست، بلکه یک پدیده فرا اقتصادی است و در اصل دارای ماهیت اقتصادی نمی‌باشد (قمبرعلی و زرافشانی، ۱۳۹۷). بعضی هم کارآفرینی را به معنای آگاهی از فرصت‌های سودآور کشف نشده دانسته‌اند.

ویژگی های کارآفرینان

کارآفرین را از دو دیدگاه متفاوت تعریف می‌کنند: از دید یک اقتصاددان و از دید یک روانشناس. از دید یک اقتصاددان، یک کارآفرین کسی است که منابع و نیروی انسانی و مواد و سایر دارایی‌ها را ترکیب می‌نماید، به گونه‌ای که ارزش آنها افزایش یابد و کسی که تغییر ایجاد می‌کند، نوآوری می‌نماید و تقاضای جدید ایجاد می‌نماید. از دید روانشناس، یک کارآفرین کسی است که به طور خاص به واسطه برخی نیروها مثل نیاز به کسب و به دست آوردن، آزمودن، عمل نمودن و شاید فرار از قدرت دیگران هدایت می‌شود. در حالیکه کارآفرینان وجوه اشتراک زیادی دارند، از بسیاری جهات نیز متفاوت می‌باشند. یک مجموعه معین از ویژگی‌ها و رفتارها وجود ندارد که هر کارآفرینی آن را دارا باشد. آن چیزی که در شرایط مختلف لازم می‌باشد، به ترکیبی از بازیگران کلیدی و نحوه ایجاد و حذف فرصت‌ها و کمبودها و نقاط قوت موسسان وابسته است. با این وجود، مطالعاتی نیز نشان دهنده وجود یک مجموعه مشترک از ویژگی‌ها در کارآفرینان می‌باشد. برخی از این ویژگی‌های کلیدی که در یک کارآفرین موفق موجود باید باشد عبارتند از نوآوری، ابتکار، محرک‌های روانی موفقیت، تمایل به ریسک‌پذیری حساب

^۱Entrepreneurship

^۲Entrepreneur

شده، انعطاف پذیری و رقابت جویی (جانستون و همکاران، ۲۰۰۹). شخصیت از ملزومات کارآفرینی است، توسعه کار آفرینی نیازمند تربیت افراد کارآفرین می‌باشد. در سرتاسر دنیا مراکز مختلفی برای آموزش و کارآفرینی وجود دارد. اگرچه برخی از افراد روحیه کارآفرینی بیشتر را وابسته به تحولات زندگی افراد در طول سالیان مختلف می‌دانند ولی این تناقضی با آموزش کارآفرینی ندارد. در آموزش کارآفرینی بایستی افرادی که بصورت بالقوه از روحیه کارآفرینی برخوردارند انتخاب شده و سپس شخصیت‌شان به فعلیت برسد. نقش دولت در توسعه کارآفرینی، علاوه بر ایجاد بسترهای سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و حمایتی از کارآفرینی، شناسایی، آموزش و هدایت فعالیت‌های کارآفرینانه است (وارد، ۲۰۱۴).

ویژگی‌هایی مانند تعهد، اعتماد به نفس، سرسختی، نیاز به کسب، فرصت‌سازی، ابتکار، مسئولیت‌پذیری، توانایی حل مشکل، توانایی ساخت تیم در کارآفرینان مشترک است. تلاش برای تعیین ویژگی‌های شخصیتی و روانشناختی یک کارآفرین محکوم به شکست است، زیرا برای هر تعریف سنتی از تیپ کارآفرینانه، مثال‌های نقض متعددی که آن تئوری را تکذیب می‌نماید وجود دارد. آنها چنین بحث می‌نمایند: زمانی که عوامل محیطی نمی‌توانند مستقل از عوامل روانشناختی بررسی شوند، دیدگاه کلی از کارآفرینی ناکافی است. کارآفرینان نه تنها به وسیله ویژگی‌های شخصیتی قابل شناسایی هستند، بلکه به اندازه آنچه که آنها هستند، آنچه که یک کارآفرین انجام می‌دهد نیز مهم است. بنابراین ضروری است که کارآفرین را به صورت یک شکل رفتاری در نظر بگیریم و نه تنها به صورت مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک. برخلاف صاحبان و مدیران سنتی کسب و کارها که به واسطه منابع تحت اختیارشان شناخته می‌شوند، کارآفرینان دارای جهت‌گیری استراتژیک بوده و به دنبال فرصت‌ها هستند. پیتر دراگر بیان می‌کند که کارآفرینی یک شکل رفتاری است که به وسیله تمرین نوآوری سیستماتیک، که عبارتست از تحلیل سیستماتیک فرصت‌ها و جستجو برای تغییراتی که عامل نوآوری می‌شوند آموخته می‌شود. این نشان می‌دهد که کارآفرینان کسانی هستند که این رفتار را بروز می‌دهند و به صورت سیستماتیک فرصت‌های ناشی از تحولات را جذب و تحلیل می‌نمایند و سپس دانش تجربی خود را بر اساس آن می‌سازند.

انواع کارآفرینی

ابتدا اعتقاد بر این بود که کارآفرینان خود صاحب و مالک کار خود هستند، اما امروزه معتقدند کارآفرینان ممکن است در استخدام شرکت‌ها درآیند و از اینجا کارآفرینان سازمانی متولد شوند. براین اساس، انواع کارآفرینی زیر مطرح گردید:

- **کارآفرینی آزاد (مستقل):** فرآیندی است که کارآفرین طی می‌کند تا فعالیت کارآفرینانه‌ای را به طور آزاد به ثمر رساند.
- **کارآفرینی درون سازمانی:** فرآیندی است که کارآفرین طی می‌کند تا فعالیت کارآفرینانه‌ای را در سازمانی که معمولاً سنتی و بوروکراتیک است به ثمر رساند.
- **کارآفرینی سازمانی:** فرآیندی است که سازمان طی می‌کند تا همه کارکنان بتوانند در نقش کارآفرین انجام وظیفه کنند و تمام فعالیت‌های کارآفرینانه فردی و گروهی به طور مستمر، سریع و راحت در سازمان مرکزی یا شرکت تحت پوشش خودمختار به ثمر رسند (صمد آقایی، ۱۳۹۸).

آموزش و پرورش استثنایی در ایران

تاریخچه برنامه آموزش و پرورش استثنایی در ایران به دهه اول قرن چهاردهم شمسی مربوط می‌شود. در این دوران، اولین مدرسه ناشنوایان در تهران توسط مرحوم جبار باغچه بان و نخستین مدرسه ویژه نابینایان در تبریز به وسیله یک کشیش آلمانی به نام کریستف تاسیس و به دنبال آن در چند شهر دیگر مدارس مشابهی از سوی افراد خیر و آگاه بنیاد نهاده شد. در این مورد می‌توان از تاسیس مدرسه شبانه روزی نابینایان در تهران در سال ۱۳۲۸ و چندین مدرسه استثنایی دیگر همچون ابابصیر، خزائلی و غیره نام برد. در سال ۱۳۴۷ دفتری به نام دفتر آموزش کودکان و دانش‌آموزان استثنایی در وزارت آموزش و پرورش ایجاد شد. در واقع مسولیت این دفتر، شناخت و جایگزینی مطلوب و آموزش و پرورش کلیه کودکانی است که به علت تفاوت‌های قابل ملاحظه ذهنی، جسمی و عاطفی قادر به استفاده از برنامه‌های عادی آموزش و پرورش نیستند.

توجه وسیع و همه جانبه نظام جمهوری اسلامی به آموزش و پرورش و توان بخشی کودکان استثنایی سبب شد تا سازمان آموزش و پرورش استثنایی در سال ۱۳۷۹ با تصویب مجلس شورای اسلامی تأسیس شده و طی این مدت خدمات و فعالیت های مهمی را برای کودکان استثنایی به انجام برساند. این سازمان هم اکنون با تحت پوشش قرار دادن بیش از ۱۰۰ هزار دانش آموز استثنایی در هفت گروه به ارائه خدمات آموزشی، پرورشی و توان بخشی مشغول است:

دانش آموزان با نیازهای ویژه ذهنی، کم توان ذهنی

کودکان و دانش آموزان آسیب دیده شنوایی

کودکان و دانش آموزان آسیب دیده بینایی

کودکان و دانش آموزان دارای مشکلات ویژه یادگیری

کودکان و دانش آموزان دارای مشکلات رفتاری و هیجان

کودکان و دانش آموزان دارای مشکلات جسمی - حرکتی

کودکان و دانش آموزان دارای مشکلات با معلولیت های چندگانه (چند معلولیتی) (قاسمی، ۱۳۹۱).

هدف سازمان آموزش و پرورش استثنایی در ایران به قرار زیر است:

۱- طراحی سیستم آموزشی، پرورشی، و توان بخشی به نحوی که ناتوانایی های ذهنی و جسمی کودکان و دانش آموزان استثنایی جبران گردد. به آن گونه که کودکان و دانش آموزان بتوانند پس از گذراندن مراحل تحصیلی خود موقعیت اجتماعی و اقتصادی مناسب شرایط خویش را به دست آورند.

۲- تغییر و اصلاح مداوم آموزش و پرورش استثنایی با توجه به روش های نوین آموزش و پرورش استثنایی در جهان و نیازهایی که آن گونه کودکان و دانش آموزان در ارتباط با شرایط خاص جامعه دارند.

۳- آموزش و پرورش گروه های مختلف کودکان و دانش آموزان استثنایی با توجه به نیازهای خاص هر گروه در سطوح قبل از دبستان، ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و با تأکید خاص بر آموزش حرفه ای و تلاش برای تحت پوشش قرار دادن کلیه این گونه کودکان و دانش آموزان.

۴- کمک به پیشگیری از بروز ناتوانی های جسمی و ذهنی، قبل از تولد، هنگام تولد و بعد از تولد از طریق بالا بردن سطح آگاهی عمومی در زمینه عوامل بروز معلولیت ها و خصوصیات کودکان استثنایی (کاکوجویباری و همکاران، ۱۳۸۷).

متأسفانه خدمات زیادی از طرف آموزش و پرورش ارائه نمی شود. حتی تعدادی از مدارس برای هزینه های اولیه با مشکل مواجه می شوند؛ به گونه ای که یکی از دغدغه های مدیران مدارس استثنایی جذب پول از طریق خیریه ها هست. ولی با این حال در مدارس، خدماتی به صورت محدود ارائه می شود که در هر طیف از کودکان استثنایی متفاوت هست. به عنوان مثال در حیطة ی توان بخشی، هر هفته متخصص گفتار درمان به مدارس آهسته گام فرستاده می شود و در مدارس با معلولیت های حسی - حرکتی متخصصی در حیطة ی حرکت درمان گر مسولیت ارائه ی خدمات را دارد.

آموزش کودکان استثنایی در امور کارآفرینی

سیستم آموزش و پرورش استثنایی بر این منبأ است که افراد را به طریقی آموزش بدهند که در آینده بتوانند با اندک کمک خارجی زندگی خودشان را اداره کنند. در این میان مسائل اقتصادی و اشتغال از اهمیت زیادی برخوردار است. به همین خاطر در حوزه های مختلف استثنایی که طیف گسترده ای را شامل می شود اقدامات مختلفی صورت می گیرد. به عنوان مثال دانش آموزان آهسته گام پس از پایان دوره ی ابتدایی به جای متوسطه ی اول به دوره ی پیش حرفه ای می روند و در آنجا متناسب با جنسیت و توانایی هایشان کارهای مختلفی مثل پخت نان و شیرینی، تولید لباس، نجاری و کارهای کارگاهی را آموزش می بینند و اداره ی استثنایی هم در نمایشگاه های مختلف در سطح شهر غرفه ی فروش دارند و محصولات این دانش آموزان را به فروش می رسانند. خیلی از مدارس پیش حرفه ای و حرفه ای (متوسطه ی دوم) هم از این طریق کسب درآمد می کنند.

هدف از آموزش حرفه ای دانش آموزان استثنایی، فراهم کردن شرایطی است که این دانش آموزان پس از فراغت از تحصیل بتوانند در حرفه ای که آموزش دیدند به کار مشغول شوند. در واقع برنامه ی آموزش حرفه ای باید مشاغل را آن گونه که در جامعه وجود دارند عرضه نماید و نقاط قوت و ضعف و توانمندی ها و ناتوانی های این گروه را مورد توجه قرار دهد.

آموزش شغلی و اشتغال در خارج از کشور

در سال های اخیر علاقه ی بسیاری نسبت به سازگاری و تعادل شغلی کودکان استثنایی دیده شده است، اصطلاح آموزش شغلی به معنای گوناگون به کار رفته است و هر یک از این معانی برنامه های خاص را به ذهن می رسانند، ولی هدف تمام این برنامه ها آموزش کودکان استثنایی برای نوعی شغل است.

بسیاری عقیده دارند که چون کودکان استثنایی نمی توانند در موضوعات آموزشی مثل خواندن و نوشتن، حساب و تاریخ و جغرافیا و ... شایستگی با موفقیت ها به دست آورند، بنابراین بهترین برنامه ی آموزش به کار گماری آنها در نوعی کلاس کار آموزی است. از این رو، در بعضی کشورها این کودکان را به مدارس حرفه ای فرستادند تا پیشه های بیاموزند. با وجود این بزودی معلوم شد که در این مدارس کودکان کم توان ذهنی را به کارگاه های عمومی نظیر کارگاه نجاری، کارگاه تدبیر منزل، یا به فعالیت های آموزشی دیگری گمارده اند که تا حدودی مهارت های نظری در آنها دخیل است و آموزش حرفه ای خاص در آنها دنبال نمی شود.

در پژوهش هایی نظیر پژوهش چینینگ که از وضع شغلی کودکان استثنایی به عمل آمد، معلوم شد، حرفه هایی را که پسران و دختران استثنایی آموخته و تا سطح بزرگسالی برای خود نگه داشته اند، غالباً از نوع کارهایی است که به افراد غیر ماهر یا نیمه ماهر دارای اندکی آموزش نظری و تربیت شغلی نیاز دارد. مطالعه ی چینینگ، به همراه مطالعات مشابه دیگر، نشان داد به جای کوشش برای تربیت حرفه ای ویژه، باید عادات و روش های کاری را به این کودکان بیاموزند که برایشان مفید باشد. به این معنی که آنها را طوری تربیت کنند که پس از فراغت از تحصیل بتوانند در شغل های مربوط به افراد غیر ماهر یا نیمه ماهر کار کنند، به این منظور به ویژه در سطح نوجوانی، مدارس کوشش کردند به جای کار آموزی، روی تربیت حرفه ای با آموزش شغلی تأکید کنند (چینینگ، ۲۰۱۸).

به نظر داگلاس تأکید بر آموزش شغلی، برای نوجوانی که به مشاغل علاقه نشان می دهد، باید بر جنبه هایی از مشاغل باشد که در تمام حرفه ها مشترک و معمول هستند، به گفته ی وی آموزش شغلی هنگامی در برنامه ی یک مدرسه بسیار مؤثر است که شاگردان آن کلاس در درس های کلیدی، یعنی خواندن، نوشتن و حساب دست کم تا حدودی مهارت داشته باشند وی همچنین احساس می کند که دادن اطلاعات درباره ی مشاغل خاصی که این کودکان می توانند انجام دهند به عنوان قسمتی از آموزش شغلی به اندازه ی آشنا شدن با تعهدات و موقعیت های مشترک همه حقوق بگیران اهمیت ندارد (داگلاس، ۲۰۱۷). ریچارد هانگرفورد دامنه ی مفهوم آموزش شغلی را برای کودکان استثنایی وسیع تر کرد به طوری که کل فرآیند آموزشی آنها را در بر بگیرد. مفهوم آموزش شغلی هانگرفورد به شرح زیر است:

برنامه آموزش افراد استثنایی باید پیرامون دستیابی به صلاحیت های شغلی و اجتماعی طرح ریزی شود. زیرا تنها در این صورت است که امکان رسیدن کودک استثنایی خفیف به حد توانایی افراد عادی وجود دارد و آموزش حرفه ای، مهارت های شغلی و اجتماعی را برای فرد فراهم می آورد که به سازگاری اجتماعی و شغلی در اجتماع منتهی می شود. از ضروریات یک برنامه ی آموزش حرفه ای مؤثر آن است که به کودک استثنایی فرصت بدهد تا توانایی هایش را برای حمایت از خود بروز دهد و در عین حال از یأس و ناامیدی او از این که ممکن است نتواند مانند دیگران در کارش شایستگی پیدا کند، جلوگیری نماید.

آموزش شغلی، مهارت های شغلی و اجتماعی برای فرد فراهم می کند که این خود به سازگاری اجتماعی و شغلی در اجتماع منتهی می شود. این برنامه در پنج زمینه ی عمده به شرح زیر تهیه شده است:

۱. اطلاعات شغلی: در اطلاعات شغلی، اطلاعاتی درباره مشاغل مربوط به دانش آموز داده می شود و کارهایی که در یک شغل موجود در جامعه باید انجام شود مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. این اطلاعات به آنها کمک می کند تا اهمیت این مشاغل را برای خود مورد بررسی قرار دهند.

۲. راهنمایی حرفه ای: در راهنمایی حرفه ای به کودک کمک می شود تا توانایی های خود را نسبت به مشاغلی که به آنها علاقمند است بسنجد و مشاغلی را اختیار کند که برایش از همه مناسبتر است. این راهنمایی باعث می شود که کودک درباره ی مشاغل دیگری که در این زمینه وجود دارد، نیز تا حدودی آگاهی پیدا کند.
 ۳. جایدهی حرفه ای: در جایدهی حرفه ای، مهارت های دستی مربوط به کار، مهارت های غیردستی مربوط به کار و نیز عادات کلی، طرز برخورد با دیگران و صفات لازم برای یک کارگر و یک شهروند خوب به کودک آموزش داده می شود.
 ۴. به کار گماری: در این زمینه به کودک با فرد کمک می شود تا کاری پیدا کند.
 ۵. جایدهی اجتماعی: در این زمینه به سازگاری کودک با شغل خود و سازگاری با جامعه اش، زمانی که لازم باشد کمک می شود.
- طبق نظر هانگرفورد، آموزگاران در سه زمینه ی نخست مسئول هستند و دو وظیفه آخر را ادارهی کارگزینی خدمات استخدامی کشور و دیگر مؤسسات اجتماعی می توانند انجام دهند (هانگرفورد، ۲۰۱۷).

نتیجه گیری

کودکان استثنایی به دلیل فرهنگ و کلیشه های موجود در جامعه، با نگاه های محقر و همراه با دلسوزی و ترحمی مواجهه هستند که نیازمند کمک هستند و بایستی کارهای آنها را انجام داد. این نوع نگاه، در زمینه اشتغال و کار نیز وجود دارد. وضعیت اشتغال در سال های اخیر و به دلیل تحریم های همه جانبه، با انواع مصایب و مشکلات روبرو است که در این بین وضعیت افراد دارای آسیب های جسمی و روانی، به مراتب وخیم تر است. این افراد در سیستم آموزشی ای که کمتر به نیازها و مسایل این افراد توجه می کند با مسایل و مشکلات بیشتری در ورود به جامعه روبرو هستند. لذا سیستم آموزشی، برای جبران این خلاها بایستی خود را با امکان کارآفرینی برای کودکان استثنایی همگام کند و بتواند از شغل های کلیشه ای و صرفاً فنی حرفه ای دوری کند تا با دنیای دیجیتال و مجازی ارتباط برقرار کند و کودکان استثنایی را برای این شرایط آماده کند.

منابع و مراجع

۱. کمیجانی، مهرناز (۱۳۹۱)، کودکان استثنایی و چالش های مادران، تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۱۱۰.
۲. کاکابرابی، کیوان و ارجمندنیا، علی اکبر و افروز، غلامعلی (۱۳۹۲)، مقایسه ویژگی های زیستی والدین کودکان استثنایی با والدین کودکان عادی، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره بیست و یکم، شماره سوم.
۳. طاهری، انیسه (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی سیرتحوالات آموزش و پرورش استثنایی در کشورهای آلمان، سوئد، ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد آموزش و پرورش تطبیقی، دانشگاه عالمه طباطبایی.
۴. یزدانپور، سمیه (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی سیاست ها، اهداف و تشکیلات آموزش و پرورش استثنایی در کشورهای آمریکا، هند و ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه عالمه طباطبایی.
۵. سامویل ای کرک، جیمز جی گالاکر (۱۳۸۲)، آموزش و پرورش کودکان استثنایی، ترجمه مجتبی جوادیان، مشهد: انتشارات استان قدس رضوی.
۶. به پژوه، احمد (۱۳۹۳)، ماهنامه ی پیوند (وزارت آموزش و پرورش)، دانش آموزان با نیاز ویژه و آموزش فراگیر: نقش اولیا و معلمان (۴۲) ۱۴-۷.
۷. کاکوجوبیاری ع. علی پور، حسن زاده س (۱۳۸۷)، واقعیت ها و چشم اندازهای نظام آموزش و پرورش ویژه: بررسی تطبیقی ایران با چند کشور توسعه یافته، فصلنامه ی پژوهش در حیطه ی کودکان استثنایی، (۲)، ۳۴۱-۳۲۴.
۸. مرادی، ساجده (۱۳۹۶)، آموزش و پرورش استثنایی، اولین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم، واحد شادگان. سلازار، م، تیونگ، ا، سونیا ودیا، پ، (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر کارآفرینی، ترجمه سیامک ناطق، انتشارات کوهسار

۹. صمدی، پ، شیرزادی، ه (۱۳۹۸)، بررسی رابطه جو سازمانی مدرسه با روحیه کارآفرینی در دانش آموزان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۶، ۱۸۷-۱۶۴
۱۰. قمبرعلی، رضوان، زرافشانی، کیومرث (۱۳۹۷)، شناسایی شاخص‌های موفقیت کارآفرینان روستایی با استفاده از تحلیل مقیاس‌بندی چند بعدی، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره ۲، ۱۶۰-۱۳۱
۱۱. Johnston, K.A., Andersen, B.K., Davidge-Pitts, J. & Ostensen-Saunders, M. 2009. Identifying Student Potential for ICT Entrepreneurship using Myers-Briggs Personality Type Indicators, Journal of Information Technology Education. 8, 29-43.
۱۲. Ward, T. B. 20۱۴. Cognition, creativity, and entrepreneurship, Journal of Business Venturing, 19(2), 173-۱۸۸

